

یک کارشناس اقتصادی
در گفت و گو با «شهروند» توضیح داد:

«نیما» یقه می گیرد

▲ ابعاد تازه ای از رویارویی سلطان صادرات با بانک مرکزی
▲ استاد اقتصاد دانشگاه علامه: آقای عسگر اولادی پیشنهاد کنند
که چه سازو کاری می تواند شفافیت ایجاد کند
و مشکلات مدنظر ایشان را هم نداشته باشد

▲ صفحه ۳

گزارشی درباره پاداش کارکنان
و قیمت های آخر سال

با عیدی امسال
چی می توانیم
بخیریم؟

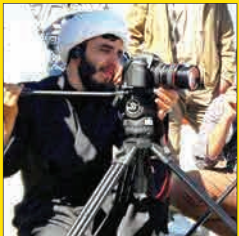
▲ صفحه ۸



گفت و گوی «شهروند»
با ساسان فلاح فر، فیلمساز

چطور
یک طلبه پشت
دوربین می رود

▲ صفحه ۱۲



تکس: محمدجو از زده شهر وند



اختتامیه المپیاد کشوری جمعیت هلال احمر برگزار شد

امیدواری به المپیاد جهانی هلال احمر و صلیب سرخ

▲ رئیس جمعیت هلال احمر: کمک رسانی در مواقع خطر نیازمند آمادگی جسمانی بالاست
▲ رئیس کمیته ملی المپیک: هلال احمر و المپیک در بشردوستی اهداف مشترک دارند

▲ صفحه ۱۰

حاشیه نویسی یک

آقای ظریف ممنون! یک پیگیری هم بکنید

امر مقدس نمی داند که غیر قابل نقد باشد. ظریف در تمام این سال ها نشان داده که چه سعه صدری در مقابل نقدها و حتی اتهامات دارد و جز در مواردی که با دروغ و نفی مصالح کشور مواجه شده، چهره بر آشفته ای از او ندیده ایم. آن چه در دولت تصمیم گیری می شود، مثل دیگر بخش های کشور، اگر عمل به نص صریح فرامین الهی نباشد، باید بتواند در افکار عمومی به مباحثه گذاشته شود.

بر اساس اصول دموکراتیک، حتی قوانین هم قابل تغییرند و می توان با نقد و به رای گذاشتن آنها در فواصل زمانی مختلف، قانون تازه ای وضع کرد. پس طبیعی است که آقای ظریف از صحبت و نقد مردم در مورد حرفش از زرده نشوند، چرا که صاحب اصلی کشور مردم اند. اما می خواهیم از آقای وزیر درخواستی هم داشته باشیم، این که مراقب باشند این بچه ها به خاطر اظهار نظرشان آسیب نبینند. آنها فقط نظر داده اند، نه به کسی توهین کرده اند و نه جرم دیگری مرتکب شده اند. پس شاید آقای وزیر بتواند پیگیری بازخواست های احتمالی هم باشد و به مراجع دیگر هم توصیه کند که با همین گشادگی و عطوفتی که از نظام اسلامی انتظار می رود، با شهروندان برخورد کنند و از کاه کوه نسازند.

پس از حضور مقتدرانه محمدجواد ظریف در کنفرانس امنیتی مونیخ و صحبت ها و مذاکراتی که با تحسین مواجه شد و نشان داد چگونه با رفتار دیپلماتیک و بادست می توان سراغ گره ها رفت تا نیازی به ندان نباشد، یک بار دیگر تشکری را به آقای ظریف بدهکار شدیم. مورد آخر هم وقتی بود که سیدعباس موسوی، معاون سخنگوی وزارت خارجه از قول وزیر گفت که هیچ گونه شکایت و دلخوری از علی کریمی و وریا غفوری ندارد که شاهد دیگری بر ظرفیت بالای دولت و وزیرش در شنیدن انتقادات و پذیرفتن نظرات متفاوت و مخالف است. رفتاری که شرط دموکراسی و نظام های مردمی است، اما متأسفانه بخشی از مسئولان به آن پایبند نیستند. مسئولانی که اغلب هم در صف آرای مقابل دولت می شود پیدایشان کرد و افکار و تصمیمات و اظهاراتشان را فراتر از فهم و نظر مردم می بینند. آن چه ظریف گفته بود و انتقادهایی را برانگیخت و برای مثال دو فوتبالیست برجسته کشور به آن واکنش نشان دادند، به ظاهر جزو خط قرمزهای نظام است. مباحث امنیتی که عادت کرده ایم درباره شان نقد و نظر مخالفی نکنیم. اما وزیر خارجه کشور با اظهار این که از منتقدانش ناخشنود نیست، اعلام می کند که حرف هایش را مثل دیگر سیاست های خارجی کشور،

حاشیه نویسی ۲

قضیه شهاب حسینی، مایلی کهن، علی کریمی و آقای ایکس

هر وقت در موقعیت مناسبی بوده لام تا کام حرف نزده. هر وقت امتیازی به او داده شده سکوت کرده و فقط زمانی به صادر آمده که از امتیازات و جایگاه های مناسب محروم مانده؛ اپوزیسیون فصلی. علی کریمی فرق دارد؛ کسی که حتی در فرصت هایی که هیچ نفعی برایش نداشته وسط آمده و حتی راطلب کرده. وقتی که خونی به زمین ریخته شده یا ظلمی به کسی رفته. داستان بسیاری از معترض های جامعه ما داستان مایلی کهن است. به همین دلیل هم هست که جدی گرفته نمی شوند. مثل رئیس دولتی که در دوران خودش با بزرگترین بی انصافی ها مواجه بودیم که هیچ نمی گفت و حالا که دوستانش قرار است بابت تخلفات خود حساب پس بدهند پادش افتاده که از عدالت بگوید و از حق و انصاف، چنین ادعاهایی را چقدر باید بها داد؟ معلوم است که چنین شخصیتی، فردا که دوباره به قدرت برگشت همه اینها را از یاد خواهد برد و دوباره دنیا را بر وفق مراد خواهد دید. قیاس ایشان با شهاب حسینی مع الفارق است، اما شهاب حسینی عزیز هم نشان داده که هر وقت موقعیت های مناسبی داشته، اگر تاباید کننده تمام و کمال اوضاع نبوده، گله ای هم نداشته. وقتی موجی اجتماعی راه افتاده، دلیلی برای همراهی ندیده و اوقاتی مثل حالا هم باید به ما حق بدهد که بگوییم بی خیال برادر دوباره یک موقعیت خوب گیر می آید و استفاده می کنیم و دعاگو خواهیم بود. این دور روز خواهد گذشت.

«در شرایطی هستیم که فیلم های بنده حقیر را لایق حضور در جشنواره فجر نمی دانند. من شهاب حسینی هستم؛ یک اشغال دوست داشتنی!» حرف های شهاب حسینی که در اکران فیلم محسن امیربوسفی بر زبان آورد با استقبال زیادی مواجه شده است. کلیپ آن در فضای مجازی مدام باز نشر می شود و کاربران بسیاری زبان به تمجید از او گشوده اند و به خاطر این جسارت و اعتراض، که اتفاقاً مصادف با اکران یک فیلم معترض شده، ستایشش کرده اند. اما شاید فرصت خوبی باشد که بگوییم چنین طعنه ها و انتقاداتی واجد ارزش نیست. شهاب حسینی هنرمند درجه یک سینمای ماست، ولی گلایهایی مشابه حرف های اخیرش را نباید جدی گرفت. چرا؟ چون او نشان داده که فقط وقتی اعتراض می کند که پای منافع شخصی در بین باشد. ایرادی ندارد؛ همه حق اعتراض دارند، اما فرق است بین مارلون براندو که به هواداری از سرخپوست ها جایزه اش را نمی گیرد و بیانه اعتراضی به اسکار می فرستد با کارگردانی که از جایزه خودش دلخور است و می خواهد شوه بد.

دور و برمان معترض های نمایشی از این دست یا کسانی که فقط برای خودشان دل می سوزانند کم نداریم. شاید یکی از مشهورترین ها در عالم فوتبال محمد مایلی کهن است؛ کسی که همیشه به انتقادات و گلایهایش شناخته شده، اما او را نمی توان چهره حق طلب و منصفی دانست، چرا که مایلی کهن

یادداشت

بی تصمیمی تا کی؟

در دناک و سنگین است و از سوی دیگر نمی خواهند ذهنیت های خود را با این واقعیات هماهنگ کنند، زیرا آن قدر بر غیر قابل تغییر بودن این ذهنیت ها تاکید کرده اند که خجالت می کشند از آنها عبور کنند. در نتیجه نه حاضر به تایید واقعیت می شوند و نه حاضر به رد آن هستند، در نهایت هم مجبور به عقب نشینی خواهند شد که در این صورت چوب هر دو وضع را می خوریم، بدون آن که نان آن را بخوریم. متأسفانه هزینه این بی تصمیمی را مردم و جامعه می دهند.

این بی تصمیمی فقط در مسأله مهمی چون FATF نیست که بروز پیدا کرده است، بلکه در همه امور کمابیش شاهد آن هستیم. نمونه روشن آن مسأله قیمت انرژی و سوخت است که همه می دانند ادامه این وضع به ضرر همگان است. دولت و ملت هر دو زیان می کنند، ولی باز هم وضع موجود ادامه پیدا می کند، در پایان نیز تصمیم به جامعه تحمیل می شود، به جای آن که گرفته شود.

این رفتار، مثل رفتار شخصی است که علایمی از بیماری سرطان را در خود می بیند، ولی به هر دلیلی حاضر به رفتن نزد پزشک و آزمایش نیست. یا از ترس یا از تنبلی یا از نداشتن پول درمان و... و امیدوار است که بیمار نباشد، ولی این کار موجب می شود بیماری او پیشرفت کند و به جای خطرناکی برسد و در نهایت از ترس مردن، ثروت خود را می فروشد و برای درمان بیماری پیشرفته خود هزینه می کند، البته این درمان خیلی دیر است و نه تنها هزینه آن گزاف است، بلکه دستاورد چندانی هم ندارد.

انتظار برای تصویب لوایح مربوط به مبارزه با پولشویی و FATF موضوع به نسبت عجیبی است. هیچ کشوری نیست که تا این حد وضعیت خود را معطل یک تصمیم کند. در واقع بی تصمیمی از بد تصمیمی هم زیان بارتر است، زیرا همه را در حالت ملق میان زمین و آسمان نگه می دارد و هیچ کس نمی داند که چه کار باید کند؟ در حالی که یک تصمیم بعد، در هر حال وضعیت همه را روشن می کند. برای مثال اگر می خواهند لوایح FATF را رد کنند، همان سال گذشته انجام می دادند و این همه کش و قوس نمی یافت.

هر چند تصمیم بر رد این لوایح عوارض بسیار زیادی دارد و به نفع و مصلحت جامعه نیست، ولی در هر حال اگر رد می کردند، تاکنون وضع همه روشن شده بود و می دانستند که چه کار باید انجام دهند. طی این مدت طولانی مردم را در برزخ تصمیم گیری قرار دادن موجب شده از منافع حضور در FATF بهره مند نشویم، ولی زیان هایش را تحمل کنیم، حتی از منافع احتمالی عدم حضور نیز بی بهره هستیم.

چرا جامعه ما و نهادهای ذیربط تا این حد بی تصمیم و کند تصمیم هستند؟ حل این مشکل بسیار مهم است. پاسخ در وجود شکاف عمیقی است که میان نیروهای جامعه رخ داده است. تضاد میان واقعیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با ذهنیت های برخی از نیروها موجب این بی تصمیمی و دیر تصمیمی می شود. از یک سو علاقه یا اصولاً توان آن را ندارند که واقعیات را ندیده بگیرند، زیرا می دانند که عوارض آن بسیار

واکنش جالب آقای وزیر:
از وریا کریمی دلخور نیستیم
آقای ظریف ممنون!
یک پیگیری هم بکنید

▲ همین صفحه



نایب رئیس فراکسیون
شفافیت درباره نامه این
فراکسیون به رهبری برای
«شهروند» توضیح داد

هنوز کشور آماده مبارزه با فساد نیست

▲ صفحه ۲

انتشار اطلاعات جدید از مدیریت
شهری روی وب سایت «شفافیت»
دستاورد تازه شورای پنجم

شهرداری تهران پشت شیشه ها

▲ صفحه ۲

واکنش فغانی به انتخاب
به عنوان داور پشت دروازه:

شان من
با این چیزها
پایین نمی آید

▲ صفحه ۱۵



همه فوتبال پیگیر ITC و پاتوسی

▲ صدور ITC پاتوسی صدای
همه را در آورده، استقلالی ها
سعی دارند بگویند کار غیر
قانونی انجام ندادند اما شواهد
چیز دیگری را نشان می دهد

▲ صفحه ۱۴

ماجرای دزدی مشاور املاکی
که خود را حبس کرد تا
پلیس رسید

سارق ولتاین در حمام به دام افتاد!

روز عشق بود که به
یک سارق تبدیل شد.
می خواست برای نامزدش
هدیه ای گرانقیمت
بخرد، اما پول نداشت.
می خواست در روز ولنتاین
برای نامزدش سنگ تمام
بگذارد، برای همین وارد
خانه ای ویلایی...

▲ صفحه ۶

بزگله دست سارقان رازو کرد

▲ صفحه ۶



محسن ابراهیم زاده
هم سخنرانی کرد
هم طنز ای اما...

یک قطعه «دونه دونه دونه» و نود دقیقه انتظار

▲ صفحه ۱۵

چند راهکار برای مقابله با سردردهای میگرنی

آمارها نشان می دهد
میزان ابتلا به سردردهای
میگرنی در ایران، بالاتر
از میانگین جهانی است.
گفته می شود حدود
۱۰ درصد مردان و ۲۰ درصد
زنان ایرانی، سردردهای
میگرنی دارند. متخصصان
مغز و اعصاب می گویند...

▲ صفحه ۱۳



▲ صفحه ۱۶